

## تحلیل سرمایه اجتماعی زنان خانه‌دار ساکن در سکونت‌گاه غیررسمی (مطالعه موردی: محله شهید قربانی مشهد)

سیمین فروغ زاده<sup>۱</sup> فرزانه رزاقیان<sup>۲</sup> جواد براتی<sup>۳</sup> سحر سلطانی<sup>۴</sup>

### چکیده

هدف این پژوهش بررسی کم و کیف سرمایه اجتماعی زنان خانه‌دار ساکن در یکی از سکونت‌گاه‌های غیررسمی (محله شهید قربانی واقع در منطقه چهار شهر مشهد) است. جامعه آماری، زنان خانه‌دار ساکن در این محله بوده‌اند که از این گروه ۳۰۰ نفر به‌عنوان نمونه با روش خوشه‌ای مرحله‌ای انتخاب شدند. در این پژوهش دو بعد شناختی و ساختاری سرمایه اجتماعی سنجیده شد. بعد شناختی شامل اعتماد بین فردی یا اعتماد به افراد آشنا، اعتماد اجتماعی یا تعمیم‌یافته که اعتماد به بیگانگان هم تعبیر می‌شود و بالاخره اعتماد مدنی یا اعتماد به سازمان‌ها و نهادها است و بعد ساختاری شامل مشارکت رسمی و غیررسمی و شبکه ارتباطات اجتماعی زنان (فراوانی، شیوه و شدت رابطه) است.

واژگان کلیدی: زنان، سرمایه اجتماعی، سکونت‌گاه غیررسمی، محله شهید قربانی، مشهد

۱. مربی پژوهش، عضو هیئت علمی سازمان جهاد دانشگاهی خراسان رضوی، مشهد، ایران

۲. نویسنده مسئول: استادیار، عضو هیئت علمی سازمان جهاد دانشگاهی خراسان رضوی، مشهد، ایران farzanehrzazaghian@yahoo.com

۳. مربی پژوهش، عضو هیئت علمی سازمان جهاد دانشگاهی خراسان رضوی، مشهد، ایران

۴. مربی پژوهش، عضو هیئت علمی سازمان جهاد دانشگاهی خراسان رضوی، مشهد، ایران

تاریخ پذیرش: ۹۷/۴/۱۱

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۲/۱۴

DOI: 10.22051/jwfs.2019.14462.1390

## بیان مسئله

سکونت‌گاه غیررسمی که این روزها بخش جدایی‌ناپذیری از محیط شهری است، به‌عنوان چالشی فرا روی توسعه پایدار شهری قلمداد شده و همواره از بدو شکل‌گیری با مسائل مختلف درگیر بوده است. در بیشتر شهرهای درجه‌یک کشور، بیش از ۱۵ درصد جمعیت در سکونتگاه‌های غیررسمی ساکن هستند که در این میان، شهرهای مشهد، تهران، اهواز، بندرعباس، چابهار، زاهدان و کرمانشاه از اهمیت بالاتری برخوردارند. شهر مشهد از یک‌سو دومین کلان‌شهر مذهبی جهان است و از سوی دیگر از حیث جمعیت و وسعت پس از تهران دومین شهری است که با چالش حاشیه‌نشینی مواجهه است (رهنما و توانگر، ۱۳۸۷: ۸۵). این شهر با جمعیت ۲.۷ میلیون نفر در سال ۱۳۹۰ مهم‌ترین شهر حاشیه‌نشین کشور پس از تهران محسوب شد (امیر فخریان و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۹). در مشهد ۶۶ محله هدف سکونت‌گاه غیررسمی وجود دارد که در هشت پهنه متمرکز هستند و حدود نیمی از جمعیت مشهد یعنی یک میلیون و دویست هزار نفر در سکونتگاه‌های غیررسمی این شهر سکونت دارند (اداره کل راه و شهرسازی خراسان رضوی).

تغییر وضعیت سکونتگاه‌های غیررسمی، نیاز به توسعه اجتماع محور دارد. این نوع توسعه از طریق ارتقای ظرفیت‌های فردی، خانوادگی و اجتماع محلی دست‌یافتنی است (محمدی، ۱۳۸۷: ۹۳). امروزه برای انجام این تغییر و تحول در اجتماعات محلی بر روی زنان و نسل دوم (فرزندان) تأکید می‌شود. یکی از عواملی که موجب می‌شود تا زنان به‌طور توانمند در عرصه‌های مختلف اجتماع گام بگذارند، فرصت‌ها یا سرمایه‌های آن‌هاست. برآیند مطالعات نظری نشان‌دهنده آن است که افراد سرمایه‌های اقتصادی<sup>۱</sup>، اجتماعی<sup>۲</sup> و فرهنگی<sup>۳</sup> متفاوتی دارند که عمدتاً در روابط اجتماعی متبلور می‌شود و بر ابعاد مختلف زندگی انسان تأثیر می‌گذارد. در حال حاضر سرمایه اجتماعی، در مقایسه با سایر سرمایه‌ها، اصل محوری برای دستیابی به توسعه است (صالحی و مهرعلیزاده، ۱۳۸۴: ۲۶). بطوریکه بولن در ولز جنوبی به این نتیجه رسید که سرمایه اجتماعی خمیر مایه اصلی توسعه محله‌ای است (بولن و اونی، ۱۹۹۹: ۹۷). لذا قبل

---

1 Economic Capital

2 Social capital

3 Cultural capital



از انجام هرگونه ظرفیت‌سازی و اقدام برای تغییر وضعیت، اطلاع از وضعیت سرمایه اجتماعی به عنوان بن مایه توسعه اجتماعی و فرهنگی مهم و ضروری است.

محلّه شهید قربانی (شیخ حسن)، یکی از سکونت‌گاه‌های غیررسمی در شمال شرق مشهد و در پهنه التیمور، واقع در منطقه چهار شهری است. این منطقه ۱۳۲۰ هکتار وسعت دارد و با جمعیتی بیش از ۲۴۶ هزار نفر (۱۲۳ هزار زن و ۱۲۳ هزار مرد) و سکونت ۱۸۴ نفر در هر هکتار بعنوان متراکم‌ترین منطقه شهرداری مشهد بوده و ۶۹ هزار خانوار دارد که طبق سرشماری سال ۱۳۹۰، بعدخانوار این منطقه ۳.۶ گزارش شده است. تحلیل مصاحبه‌های عمیق و اولیه با تعدادی از زنان ساکن در این محلّه نشان داد، بخش عمده رنج ساکنان ناشی از ضعف یا فقدان سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است.

شرط تحقق توسعه پایدار محلّه‌ای، توجه و شناخت سرمایه اجتماعی است و زنان عنصر سازنده و مهمی در شکل‌گیری سرمایه اجتماعی دیگر اعضای خانواده هستند. در این مطالعه، بعد عینی یا ساختاری سرمایه اجتماعی نمایانگر تعاملات و پیوندهای بین اعیانی است (مشارکت رسمی و غیررسمی و شبکه روابط از حیث بسامد و شدت و شیوه) و بعد ذهنی یا شناختی بیانگر تعاملات و پیوندهای بین اذهانی، چون اعتماد اجتماعی (بین فردی، تعمیم یافته و نهادی) است. سنجش علمی و آگاهی از کلیه ابعاد و کم و کیف سرمایه اجتماعی در بین زنان خانه‌دار، همچنین آگاهی از میزان تاثیر متغیرهای دیگر بر شبکه روابط اجتماعی به عنوان بن مایه اولیه سرمایه اجتماعی از این حیث اهمیت دارد که میزان آگاهی کارگزاران تغییر را برای چگونگی تغییر، ورود به میدان و تعریف گام‌های اقدام‌پژوهی برای توسعه اجتماع محلی در سکونتگاه‌های غیررسمی، افزایش می‌دهد. سوالات تحقیق چنین است:

\* کمیت و کیفیت سرمایه اجتماعی زنان خانه‌دار ساکن در محلّه شهید قربانی مشهد

چگونه است؟

\* آیا ابعاد مختلف سرمایه زنان (از حیث کم و کیف اعتماد، مشارکت و شبکه روابط) با

یکدیگر متفاوت است؟

\* وضعیت شبکه روابط اجتماعی به عنوان بنیادی‌ترین جزء سرمایه اجتماعی در بین زنان

چگونه است و چه عواملی در تقویت آن تعیین کننده است؟

## ابعاد نظری و مفهومی پژوهش

## سرمایه و انواع آن

موقعیت افراد بر حسب حجم و نوع سرمایه آنها مشخص می‌شود و جایگاه آنان را ابتدا در خانواده و سپس در جامعه مشخص می‌سازد (بورديو، ۱۳۸۰). با الهام از نظر بورديو در هر ميدانی میان بازیگران یا گروه‌های اجتماعی چهار نوع سرمایه ردوبدل می‌شوند که عبارتند از سرمایه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نمادین (فکوهی، ۱۳۸۱: ۳۰۰). در خصوص رابطه بین انواع سرمایه، سرمایه اقتصادی در مقایسه با سرمایه فرهنگی و اجتماعی با سرعت بیشتری به سرمایه‌های دیگر تبدیل می‌شود. سرعت فرسایش و اضمحلال سرمایه اجتماعی به مراتب بیشتر از سرمایه اقتصادی و فرهنگی است و بالاخره سرمایه فرهنگی پابرجاترین و ثابت‌ترین سرمایه است (بورديو، ۱۹۹۲: ۱۱۹).

## سرمایه اجتماعی

به نظر پیر بورديو، جیمز کلمن و رابرت پاتنام، سرمایه اجتماعی از پیوندهای شخصی و تعامل بین شخصی همراه با مجموعه‌ای از روش‌های مشترک تشکیل شده است (فیلد، ۱۳۸۶: ۲۸). به زعم بورديو سرمایه اجتماعی بر روابط میان انسانها تمرکز دارد و رفتار و نگرش آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد و مانند شکل‌های دیگر سرمایه، مولد است و دست‌یابی به هدف‌های معینی را امکان‌پذیر می‌کند (شویره و فونتین، ۱۳۸۵: ۳۸).

در تعریف بورديو، سرمایه اجتماعی مجموعه منابع مادی یا معنوی است که به یک فرد یا گروه اجازه می‌دهد تا شبکه پایداری از روابط کم و بیش نهادینه شده برای آشنایی و شناخت متقابل را در اختیار داشته باشد (تاجبخش، ۱۳۸۴: ۱۴۷).

به نظر پاتنام عناصر اصلی سرمایه اجتماعی، شبکه‌ها، مشارکت، ارزش‌های مشترک و اعتماد است (فیلد، ۱۳۸۶: ۶۷). منظور از شبکه‌ها، شبکه روابط و تعاملات موجود در سطح فردی میان افراد، در سطح گروهی میان گروه‌ها، در سطح اجتماعی بین گروه‌ها و در سطح ملی میان گروه‌ها با یکدیگر، نهادهای رسمی و غیررسمی با یکدیگر و میان تمامی گروه‌ها و نهادهای غیررسمی با دولت است. از نظر پاتنام، شبکه‌ها در کنار سایر عناصر سرمایه اجتماعی می‌توانند با تسهیل اقدامات هماهنگ، کارآمدی جامعه را افزایش دهند (تونکيس، ۱۳۸۸: ۹۸). شکل‌گیری شبکه‌ها



و اثرگذاری آنها بر زندگی افراد و گروه‌ها تنها از طریق مشارکت اجتماعی تحقق می‌یابد. مشارکت اجتماعی به صورت تعهد مدنی و از طریق کنش جمعی، نقش خود را در ثبات سیاسی و رونق اقتصادی بازی می‌کند (پاتنام به نقل از تاج بخش، ۱۳۸۴: ۹۸). اعتماد از عناصر مهم سرمایه اجتماعی است. پاتنام، پیوندهای اجتماعی متراکم را از بنیادهای ضروری اعتماد در جوامع پیچیده می‌داند. فوکویاما، اعتماد را انتظاری می‌داند که از رفتار منظم، صادقانه و همکاری جویانه مبتنی بر هنجارهای مشترک برمی‌خیزد (پاتنام به نقل از تاج بخش، ۱۳۸۴: ۱۰۳). بنابراین، اعتماد تنها جزیی از سرمایه اجتماعی نیست، بلکه پیش شرطی برای شکل‌گیری آن نیز هست. کارآمدی و تداوم رابطه‌ها و شبکه‌ها بستگی به وجود اعتماد در میان اعضای آنها دارد. اعتماد بین شخصی یعنی افراد یک اجتماع، یکدیگر را مفید، صادق و با انصاف بدانند و منظور از اعتماد نهادی، مقبولیت، کارایی و محبوبیت دولت و نهادها و سازمان‌های دولتی در بین مردم جامعه است (پاتنام، ۱۳۹۲: ۲۸۵).

### سکونت‌گاه‌های غیررسمی، سرمایه اجتماعی و توسعه محله‌ای

پدیده اسکان غیررسمی از مهم‌ترین مشکلات شهرهای بزرگ و تاندازه‌ای شهرهای کوچک در حال حاضر ایران است (ایراندوست و همکاران، ۱۳۹۳: ۴۳). امروزه برای تقلیل آسیب‌های این نوع از سکونتگاه‌ها، سیاست توانمندسازی در دستور کار است. این الگو از اواخر دهه ۱۹۷۰، از جانب بنگاه‌های اصلی کمک‌رسانی بین‌المللی به‌ویژه بانک جهانی و سازمان ملل متحد و موسسه‌ی بین‌المللی ایالات متحده (USAID)<sup>۱</sup>، اتخاذ شد و به توانمندسازی<sup>۲</sup> مشهور شد. توانمندسازی، ایجاد چارچوب‌های قانونی، نهادی، اقتصادی، مالی و اجتماعی برای افزایش کارایی اقتصادی و کارآمدی اجتماعی در توسعه‌ی بخش مسکن فقرا است (پوق، ۲۰۰۵). رهیافتی نوین که دیگر مهندسی ساختمان و تزریق منابع مالی صرف راهگشا نمی‌داند بلکه مهندسی اجتماعی با حمایت و تسهیل بخش عمومی و سازمان‌های غیردولتی و محلی و مشارکت فعال موردنظر است (هادی‌زاده بزاز، ۱۳۸۲: ۳۷).

توانمندسازی ذیل رویکرد توسعه اجتماع محلی قرار می‌گیرد که شامل نیاز مبنا و دارای مبنا است. در دارایی مبنا، توسعه از درون و با مشارکت ذی‌نفعان اتفاق می‌افتد و تأکید بر دموکراتیزه

<sup>1</sup> United State Agency for International Development

<sup>2</sup> Enabling

کرده جامعه از طریق تکثرگرایی سیاسی، تمرکززدایی مسئولیت‌ها، درگیر ساختن سطوح محله‌ای، مشارکت آحاد مردم در زندگی اجتماعی و نهادینه شدن آن با توسعه نهادهای مدنی است و اساس اجتماعات محله‌ای را بر دارایی‌های آن‌ها قرار می‌دهد (سین، ۱۹۹۸، به نقل از خاکپور، ۱۳۸۸: ۶۶). در شناسایی دارایی‌های محلی، به قابلیت‌ها و توانمندی‌های ساکنان، انجمن‌ها و نهادهای عمومی محلی توجه می‌شود که شامل سرمایه‌های کالبدی و مالی و اجتماعی (همان) است. در مقیاس محله‌ای، سرمایه اجتماعی منابعی است که از طریق حضور بالایی از اعتماد، عمل و کنش متقابل، هنجارهای مشترک رفتاری، تعهدات و تعلقات مشترک، شبکه‌های رسمی و غیررسمی و کانال‌های مؤثر اطلاعات به وجود می‌آید (کی، ۲۰۰۶: ۱۶۲). در مقابل، رویکرد نیاز مبنای، استحقاق را مبنای توسعه قرار می‌دهد. مردم به‌عنوان افراد نیازمند تلقی می‌شوند. توجه صرف به نیازها و کمبودها است و دانش و ظرفیت اجتماع محلی برای حل مشکلات نادیده گرفته می‌شود (گران، ۱۹۹۱: ۹۱).

علاوه بر رویکردهای فوق، نظریه بی‌سازمانی اجتماعی، شکل‌گیری سرمایه اجتماعی در محله را نشان می‌دهد. طبق آن تعاملات اجتماعی در محلات فقیر باعث ایجاد مجموعه فرهنگی متفاوت از جریان کار و اجتماع طبقه متوسط می‌شود که فرهنگ زاغه‌نشینی می‌نامند (۲۰۰۹، به نقل از موسوی و حسن‌پور، ۱۳۹۴). دیدگاه فقر شهری به‌عنوان شاخه‌ای از نظریه مذکور این ایده را طرح می‌کند که تمرکز اوضاع نامساعد اجتماعی و اقتصادی در محله با کاهش مشارکت و سرمایه اجتماعی همراه است (ترنی و هارکنت، ۲۰۰۷، به نقل از موسوی و حسن‌پور، ۱۳۹۴). به‌گونه‌ای که ساکنان این اجتماعات، معمولاً شبکه‌های اجتماعی محدودتری نسبت به ساکنان محلات توانگر دارند و به‌ندرت شامل افرادی می‌شوند که شاغل هستند (فرناندز و هریس، ۱۹۹۲، به نقل از موسوی و حسن‌پور، ۱۳۹۱). آن‌ها سازمان‌های رسمی کمتری دارند و به‌ندرت دسترسی به فرصت برای پیشرفت اقتصادی، آموزشی و اجتماعی را در سطح گروه‌ها در اجتماعات طبقه متوسط و حاشیه شهر فراهم می‌نمایند (لیتل وین، ۱۹۹۸، به نقل از موسوی و حسن‌پور، ۱۳۹۴). ساکنان این محلات، از نظر سرمایه اجتماعی فقیرند و میزان مشارکت، اعتماد و شبکه روابط آن‌ها اندک است و سرمایه اجتماعی‌شان به شبکه‌های کوچکی از دوستان و فامیل محدود می‌شود (استون و هیوز، ۲۰۰۲: ۳۶).



### جمع‌بندی نظری

فرض بنیادی مقاله آن است که سرمایه از عوامل مهم در توسعه اجتماع محلی است و همان‌گونه که کاهش سرمایه اجتماعی با اوضاع نامساعد اجتماعی و اقتصادی مرتبط است، بهبود و تقویت آن نیز به شرایط بهتر یک اجتماع کمتر توسعه‌یافته، کمک می‌کند. اهمیت این موضوع تا حدی است که سیاست‌های توانمندسازی نیاز مبنایی که به‌طور مستقیم و از بعد صرفاً اقتصادی عمل کرده‌اند، نتوانسته است ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی شهر را به‌صورت پایدار، توانمند سازد. در این رویکرد، مردم افراد نیازمندی تلقی می‌شوند که برای رفاه خود همواره به کمک‌های دولتی وابسته‌اند و خود را نیازمند کمک از سوی دولت می‌دانند. امروزه رویکرد توانمندسازی دارایی مبنا مورد توجه است که تمرکز خود را معطوف به مردم و دارایی‌های آنان می‌کند و از مشارکت ساکنان برای بهبود وضعیت منطقه، کمک می‌گیرد. طبق آن برای توسعه اجتماع محلی در سکونت‌گاه‌های غیررسمی باید بستر مناسبی برای تقویت سرمایه اجتماعی ساکنان فراهم شود.

بهبود و ارتقاء وضعیت سرمایه اجتماعی ساکنان، مستلزم شناخت اولیه از کم و کیف این سرمایه نزد افراد تأثیرگذار و ساکن در این اجتماع یعنی زنان است. این تحقیق متمرکز بر سنجش سرمایه اجتماعی (شبکه روابط اجتماعی، مشارکت و اعتماد) است. طبق نظریه‌های موجود، روابط و تعاملات اجتماعی شاخص‌ترین مؤلفه سرمایه اجتماعی محسوب می‌شود. لذا تحقیق علاوه بر بررسی وضعیت اعتماد و مشارکت زنان خانه‌دار ساکن در محله شهید قربانی مشهد، به توصیف و تبیین بنیادی‌ترین جزء سرمایه یعنی شبکه روابط اجتماعی آن‌ها نیز می‌پردازد.

### مرور پیشینه

در دهه اخیر تحقیقات فراوانی یا به مطالعه نظری کلیات مفهوم سرمایه اجتماعی، ابعاد و یا مقایسه دیدگاه‌ها پرداخته‌اند و یا بر پایه تعاریف متفاوت، سرمایه اجتماعی گروه‌های مختلف اجتماعی را مورد بررسی تجربی قرار داده‌اند. از حیث کمی در باب اهمیت موضوع سنجش سرمایه اجتماعی طی سال‌های اخیر در جامعه ایران، زگی (۱۳۹۳) نشان می‌دهد طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۱، تعداد ۲۸۱ مقاله با موضوع سرمایه اجتماعی در مجلات علمی و پژوهشی تنها در یکی از پایگاه‌های اطلاع‌رسانی (جهاد دانشگاهی) به ثبت رسیده است. نیمی از پژوهش‌های سرمایه اجتماعی در ایران (۵۴ درصد) به‌تنهایی به سال ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳ اختصاص

دارد. بررسی پیشینه نشان می‌دهد، سرمایه اجتماعی زنان در میان گروه‌های سنی مختلف و در جغرافیای متفاوت (شهر و روستا)، تاکنون بارها توصیف شده و یا تأثیرات آن بر موضوعات دیگر بررسی شده است. برخی از تحقیقات بر روی زنان روستایی بوده است (نظیر مطالعه پرنیان و همت، ۱۳۹۳؛ نوری پور و همکاران، ۱۳۹۳؛ رستمی و همکاران، ۱۳۹۲) و در برخی دیگر، زنان ساکن در شهر، جامعه آماری بوده‌اند (نظیر مطالعه قجری و علیخانی فردانیه، ۱۳۹۱؛ رئیسی و مقدس، ۱۳۹۰؛ رفعت جاه و قربانی، ۱۳۹۰؛ زکی، ۱۳۹۴).

محققان در مطالعات خود از بررسی سرمایه اجتماعی زنان ساکن در سکونت‌گاه‌های غیررسمی غفلت نکرده‌اند. اما تعداد این مطالعات بسیار کم است. نظیر «تحلیل مشارکت‌پذیری زنان: ضرورتی در بهسازی سکونت‌گاه‌های غیررسمی (مطالعه موردی: محله آبک، منطقه یک شهر تهران)» (سجادی و سوری، ۱۳۹۱) که بر روی زنان ۳۰ سال به بالا انجام شد و نشان داد هرچه حس تعلق به مکان در میان زنان بالاتر باشد، میزان مشارکت‌پذیری آنان نیز بالاتر بوده، اما بالاتر بودن میزان مشارکت‌پذیری، به معنای بالاتر بودن سطح اقتصادی اجتماعی زنان نیست. در «سرمایه اجتماعی، توانمندسازی زنان حاشیه‌نشین و بازار کار شهری مطالعه موردی: جامعه زنان محلات اسکان غیررسمی تبریز» (خاکپور، ۱۳۹۴) نشان داد شد بین سرمایه اجتماعی جامعه زنان محلات اسکان غیررسمی تبریز و توانمندسازی آن‌ها برای ورود به بازار کار و کارآفرینی مبتنی بر تعاونی مکان مبنا رابطه معنی‌داری وجود دارد. نقدی و زارع (۱۳۹۱) در «فرسایش سرمایه اجتماعی و مدیریت بحران در مناطق حاشیه‌نشین مورد مطالعه زنان حاشیه‌نشین شهرک سعدی شیراز» به این موضوع اشاره کردند که از دلایل بروز مشکلات شهری، کمبود یا فرسایش سرمایه اجتماعی در محلات است. تاج‌بخش (۱۳۹۲) هم در «بررسی میزان سرمایه اجتماعی در بین حاشیه‌نشینان شهر ایلام» نشان داد بیشترین میانگین سرمایه اجتماعی مربوط به مشارکت اجتماعی (۳۳.۶۲) و کمترین آن مربوط به روابط اجتماعی (۳۹.۱۸) است.

بررسی سرمایه اجتماعی در سازمان‌های بین‌المللی هم اهمیت داشته است. به دلیل اهمیت توجه به توسعه امور زنان، این گروه در برنامه‌های ساماندهی حاشیه‌ها و توانمندسازی که توسط سازمان‌های بین‌المللی اجرا می‌شود، یکی از گروه‌های اصلی است (نقدی، ۱۳۹۱). نظیر مطالعات بانک جهانی در پایان دهه ۱۹۹۰ و یا پیمایش ارزش‌های جهانی که اینگلهارت در





دهه ۱۹۹۰ اولین مطالعه بین‌المللی را در ۴۳ کشور انجام داد. همچنین پیمایش جهانی سرمایه اجتماعی توسط نازایان و کسیدی در سال ۱۹۹۸ و پروژه خانواده، سرمایه اجتماعی شهروندان که توسط استون و هیوز در استرالیا در سال ۲۰۰۲ برگزار شد (شارع پور، ۱۳۸۷). در گزارش چالش‌های حاشیه‌نشینی در نایروبی کنیا (۲۰۰۳) مشخص شد که زنان و کودکان بزرگ‌ترین قربانی هستند. زنان از آموزش، پایگاه اجتماعی پایین‌تر، ساعت کاری طولانی‌تر و تحرک کمتری نسبت به مردان برخوردارند (هابیت، ۲۰۰۳).

به موازات مطالعات بین‌المللی، پژوهش‌های متعددی در خارج از کشور به بررسی سرمایه اجتماعی پرداخته‌اند. مور (۱۹۹۰) در پیمایش اجتماعی عمومی نشان داد شبکه‌های زنان و مردان از نظر ترکیب متفاوت ولی از نظر اندازه شبیه است. شبکه‌های مردان بیشتر شامل همکاران و دوستان و مشاوران و شبکه‌های زنان بیشتر ارتباطات فامیلی، همسایگی و خانوادگی است. پاتنام هم در کتاب «بولینگ یک نفره» (۲۰۰۱) که با هدف ترسیم کاهش سرمایه اجتماعی در آمریکا نوشته است، نشان می‌دهد زنان در مکالمات و فعالیت‌های غیررسمی و انعطاف‌پذیر، مشارکت می‌کنند. مردان تسهیل‌گرانی هستند که باعث اتفاق افتادن پدیده‌ها می‌شوند. درحالی‌که پیوندهای اجتماعی غیررسمی بیشتر در بین زنان رایج است.

برخی از این پژوهش‌ها هم به بررسی سرمایه اجتماعی در شهرها با نگاهی به توسعه محله‌ای پرداخته‌اند. نظیر نتایج تحقیقات در کانادا و آمریکا که نشان می‌دهد که سرمایه شرط لازم برای شکل‌گیری توسعه محله‌ای شهری است چون روابط و همبستگی محله‌ای را تسهیل کرده و دسترسی به منابع بیرونی را بهبود می‌بخشد (دل و ناومن، ۲۰۱۰: ۵) بولن هم سرمایه اجتماعی را خمیرمایه اصلی توسعه محله‌ای می‌داند (۱۹۹۹). فاکس و گرشن (۲۰۰۰) نیز به این مسئله اشاره دارند که تجارب حاصل از ده پروژه توسعه روستایی در فیلیپین و مکزیک، به ایجاد محیط مناسب برای انباشت سرمایه اجتماعی به نفع فقرای روستایی منجر شده است. در مجموع بررسی پیشینه نشان داد تحقیق منتشرشده‌ای در خصوص کم و کیف سرمایه اجتماعی زنان در سکونت‌گاه‌های غیررسمی، وجود ندارد. تحقیق حاضر از این منظر که زنان را به عنوان یکی از مهم‌ترین گروه‌ها برای ایجاد تغییر و توسعه محلی یاد محور مطالعه قرار داده، مهم تلقی شده و جدید است.

### روش تحقیق

#### معرفی ابزار و شیوه نمونه‌گیری

روش تحقیق پیمایش و ابزار گردآوری اطلاعات پرسش‌نامه بود که با انجام مطالعات اکتشافی (بررسی پیشینه تجربی داخلی و خارجی، مصاحبه عمیق با تعدادی از جامعه آماری) ساخته شد. پرسشنامه‌ها با مراجعه پرسشگر به درب منازل پاسخگویان به شیوه انجام مصاحبه با زنان خانه‌دار ساکن در یکی از سکونت‌گاه‌های غیررسمی شهر مشهد (محله شهید قربانی) تکمیل شد. کلیه زنان خانه‌دار ساکن در محله شهید قربانی مشهد، جامعه آماری را تشکیل می‌دهند. روش نمونه‌گیری خوشه‌ای مرحله‌ای و حجم نمونه با استفاده از فرمول حجم نمونه کوکران، ۳۰۰ نفر محاسبه شد.

#### تعریف عملیاتی متغیرها

سرمایه اجتماعی به‌عنوان یک سازه پیچیده و ترکیبی دارای ابعاد متنوعی است. در این تحقیق سرمایه اجتماعی چنین تعریف شده است.

#### جدول شماره ۱ - تعریف عملیاتی سرمایه اجتماعی

انواع سرمایه	ابعاد	مؤلفه‌ها	مضامین پرسش‌ها
سرمایه اجتماعی	اعتقاد (زمنی) شناختی	بین فردی	درد دل کردن، پول یا وسیله قرض دادن، مشورت کردن، رازدار بودن، ضمانت وام برای اقوام، همسایه و دوست.
		تعمیم‌یافته	سوءاستفاده مردم از یکدیگر، اطمینان از باز پس گرفتن وسیله یا پول قرض داده‌شده، ترس از درد دل کردن با دیگری، اعتقاد به بدگویی و غیبت کردن مردم، اعتقاد به وجود افراد حامی در جامعه.
		نهادی	میزان واقعی و صادقانه بودن اخبار در تلویزیون، میزان برخورد عادلانه با سوءاستفاده کنندگان از پول مملکت، میزان انجام به‌موقع کار در زمان مراجعه به ادارات، میزان اعتقاد به انجام کارها با پول و پارتی، میزان رفتار عادلانه با متخلفان، میزان اعتقاد به سودجویی بانک‌ها و مؤسسات قرض‌الحسنه.
	مشارکت	رسمی	شرکت در آخرین انتخابات ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی، خبرگان.
		غیررسمی	شرکت در مجالس مولودی و عزاداری، روضه‌ها و دوره‌های زنانه، ازدواج و ترحیم، عضویت در صندوق‌های قرض‌الحسنه خانگی
	ساختاری (اجتماعی) رابطه اجتماعی	شکله رابطه اجتماعی	تعداد رابطه
شیوه رابطه			تعداد افراد به شیوه رابطه تلفنی در طول روز، مدت‌زمان صحبت تلفنی با افراد، تعداد افراد به شیوه رابطه حضوری در روز قبل.
شدت رابطه			دعوت به ناهار یا شام در خانه، همراهی در خرید، نگهداری فرزندان یکدیگر در مواقع ضروری، کمک مالی به یکدیگر در مواقع ضروری، همراهی در تفریح و گردش.



### یافته‌ها

در این بخش ابتدا سیمای جامعه‌شناختی جامعه مورد مطالعه معرفی می‌شود. پس از آن گزارشی از میزان و چگونگی وضعیت سرمایه اجتماعی ارائه شده و در نهایت شبکه ارتباطات اجتماعی زنان تبیین می‌شود.

### ویژگی‌های اجتماعی - جمعیتی

از مجموع ۲۸۹ نفر زن خانه‌دار ساکن در محله شهید قربانی مشهد، اکثریت متأهل (۹۲/۹ درصد) و مابقی مطلقه و بیوه بودند. نزدیک به نیمی از آن‌ها (۴۹/۲ درصد) جوان بوده و زیر ۳۶ سال سن داشتند. گروهی که بین ۳۷ تا ۵۵ سال سن داشتند، ۴۱ درصد نمونه را تشکیل می‌دهند. حدود ۶۰/۶ درصد زنان به‌غیر از خانه‌داری هنر دیگری نداشتند. در میان گروهی که خود را صاحب مهارت دیگری غیر از خانه‌داری می‌دانستند (۴۰ درصد)، به ترتیب خیاطی، کاردستی، آرایشگری و قالبیافی رواج داشت. همسران جامعه مورد مطالعه نیز عمدتاً صاحب مشاغل خدماتی بودند (۵۵/۸ درصد). تعداد اعضای خانواده نیمی از پاسخگویان (۵۴/۱ درصد) بین سه تا شش نفر بوده و ۴۳/۴ درصد نیز بین یک تا سه نفر عضو داشتند. حدود نیمی از زنان پاسخگو (۵۷/۴ درصد) عنوان کردند که کل هزینه ماهیانه خانواده اعم از خوراک و لباس و مدرسه بچه‌ها و... بین پانصد تا یک میلیون تومان است. در این مطالعه اکثریت (۶۱/۵ درصد) زیر ده سال در محله مورد بررسی سکونت داشتند.

### توصیف نتایج

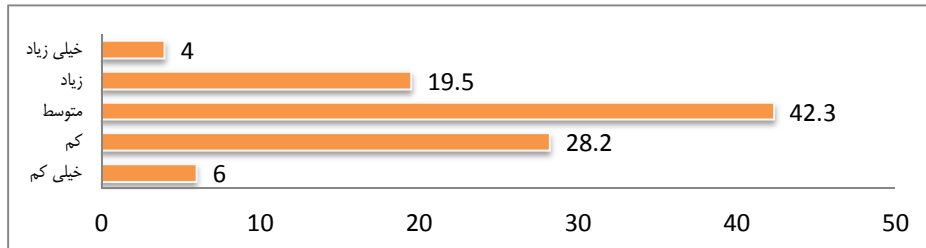
#### سرمایه اجتماعی زنان

جدول «۲» شاخص کمی سرمایه اجتماعی را نشان می‌دهد و بیانگر آن است که کمترین میزان این متغیر ۰.۲۱ و بیشترین آن ۸۹.۰۲ است. متوسط سرمایه اجتماعی زنان ۴۸.۰۱ (متوسط روبه پایین) است. انحراف معیار نیز بیانگر متوسط پراکندگی سرمایه اجتماعی زنان از میانگین ۰/۴۸ است.

جدول شماره ۲ - توصیف شاخص‌های آماری "سرمایه اجتماعی زنان"

تعداد	ماکزیمم	مینیمم	کشیدگی		چولگی		انحراف معیار	میانگین	سرمایه اجتماعی
			خطای استاندارد	آمار	خطای استاندارد	آمار			
۲۹۸	۸۹.۰۲	۰.۲۱	۰.۲۸۱	۰.۲۰	۰.۱۴۱	۰.۲۲	۰.۴۸	۴۸.۰۱	

مطابق نمودار «۱» اکثریت افراد مورد مطالعه (۳۰.۴۲ درصد) دارای حد متوسطی از سرمایه اجتماعی هستند. پس از این گروه، یک سوم از زنان (۲۰.۳۴ درصد) به میزان کم و یا خیلی کمی دارای سرمایه اجتماعی هستند.



نمودار شماره ۱: نمودار میله‌ای "وضعیت سرمایه اجتماعی زنان (درصد)"

### مقایسه ابعاد سرمایه اجتماعی

برای سنجش سرمایه اجتماعی، سه مفهوم اصلی یعنی اعتماد (بین فردی، تعمیم یافته و نهادی)، مشارکت (رسمی و غیررسمی) و شبکه روابط اجتماعی (فراوانی، شیوه رابطه و شدت رابطه) مورد نظر بود. جدول «۳» به مقایسه چگونگی وضعیت زنان از حیث سه بعد اصلی سرمایه یعنی اعتماد، مشارکت و شبکه روابط می پردازد. اکثریت زنان دارای حد متوسطی از اعتماد، مشارکت و شبکه روابط هستند. اکثریت (۴۴ درصد) زنان اعتماد کم و یا خیلی کمی نسبت به دیگران دارند. در مقایسه با دو مؤلفه اعتماد و شبکه روابط، وضعیت زنان از حیث مشارکت تا حدودی مناسب تر است. به طوری که ۳۰.۲ درصد از زنان به میزان زیاد و یا خیلی زیادی مشارکت رسمی و غیررسمی دارند.

برای پاسخ به این سؤال که «آیا سرمایه زنان از حیث کم و کیف اعتماد، مشارکت و شبکه روابط با یکدیگر متفاوت است یا خیر؟»، نتایج آزمون فریدمن<sup>۱</sup> در جدول «۳» نشان می دهد بالاترین میانگین رتبه‌ای مربوط به احساس اعتماد زنان نسبت به دیگران و پایین ترین میانگین مربوط به شبکه روابط است. با توجه به میزان خطای به دست آمده ( $\text{sig} = .۷۵۴$ ،  $\text{chi-square} =$  می توان ادعا کرد تفاوت مشاهده شده در سه بعد سرمایه اجتماعی (اعتماد، مشارکت و شبکه روابط) ناچیز بوده و قابلیت تعمیم به جامعه آماری را ندارد.

1. Friedman Test



جدول شماره ۳- مقایسه ابعاد سرمایه اجتماعی (درصد معتبر)

ابعاد سرمایه اجتماعی	اعتماد	مشارکت	شبکه روابط
خیلی کم	۴.۱۰	۶	۱.۱۰
کم	۶.۳۳	۸.۲۰	۵.۲۵
متوسط	۶.۳۹	۴۳	۹.۴۰
زیاد	۸.۱۴	۸.۲۵	۸.۱۷
خیلی زیاد	۷.۱	۴.۴	۵
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
میانگین رتبه‌ای	۰۳.۲	۰۱.۲	۹۷.۱
مقدار کی دو = ۵۶۴ درجه آزادی = ۲ Sig = ۰.۷۵۴			

### چگونگی وضعیت اعتماد در بین زنان

جدول (۴) نشان می‌دهد وضعیت اعتماد زنان در سه گونه اعتماد بین فردی، اعتماد نسبت به اطرافیان خود (اعتماد تعمیم‌یافته) و اعتماد نسبت به سازمان‌ها چندان مساعد نیست. اکثریت زنان به میزان کم و خیلی کمی این سه نوع اعتماد را دارند. نتایج آزمون ( $\text{sig} = ۰.۳۳۰$ ،  $\chi^2 = ۸۴۸$ ) (= chi-square) هم نشان می‌دهد وضعیت این سه گونه اعتماد یعنی بین فردی، تعمیم‌یافته و نهادی در میان زنان مشابه یکدیگر است و تفاوت جدی از این حیث وجود ندارد.

جدول شماره ۴- مقایسه ابعاد اعتماد در میان زنان (درصد معتبر)

ابعاد اعتماد	بین فردی	تعمیم‌یافته	نهادی
خیلی کم	۸.۲۳	۴.۱۴	۱.۳۹
کم	۴۶	۲.۳۳	۹.۲۴
متوسط	۵.۲۴	۲.۳۷	۵.۲۰
زیاد	۷.۴	۴.۱۱	۵.۱۲
خیلی زیاد	۱	۷.۳	۳
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
میانگین رتبه‌ای	۹۷.۱	۰۲.۲	۰۱.۲
مقدار کی دو = ۳۳۰ درجه آزادی = ۲ Sig = ۰.۸۴۸			

### مقایسه اعتماد بین فردی زنان در گروه‌های مختلف

اعتماد بین فردی زنان در میان گروه‌های مختلف مورد سنجش قرار گرفت. بیشترین میانگین‌ها به ترتیب متعلق به خانواده خود (۵۳.۲) و اقوام نزدیک خود (۲۹.۲) است. این در

حالی است که اعتماد بین فردی زنان با همسایه‌ها (۷۱.۰) و دوستان (۷۳.۰) از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست.

جدول شماره ۵- وضعیت اعتماد بین فردی زنان در گروه‌های اجتماعی مرتبط

گروه‌های مرتبط	هیچ	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین
خانواده خود	۴.۹	۴.۱۴	۸.۲۱	۸.۲۲	۵.۳۱	۵۳.۲
اقوام نزدیک خود	۱.۱۴	۱.۱۷	۵.۲۰	۵.۲۲	۸.۲۵	۲۹.۲
اقوام نزدیک همسر	۹.۳۳	۵.۲۱	۸.۱۶	۱.۲۰	۷.۷	۴۶.۱
همسایه‌ها	۷.۵۷	۲.۲۳	۴.۱۱	۷.۵	۲	۷۱
دوستان	۴.۵۸	۱.۲۲	۱.۱۰	۴.۶	۳	۷۳

### چگونگی وضعیت مشارکت در بین زنان

مقایسه دو عرصه خصوصی و عمومی مشارکت بیانگر آن است که بیش از دوسوم زنان (۱.۷۱ درصد) به میزان زیادی در جامعه مشارکت رسمی دارند. این در حالی است که اکثریت زنان (۷.۵۸ درصد) به میزان کم وارد مشارکت غیررسمی. نتایج آزمون فریدمن هم نشان می‌دهد میانگین رتبه‌ای مشارکت رسمی (۱.۵۷) کمی بالاتر از مشارکت غیررسمی (۱.۴۳) است و معناداری (sig= .۰۲۴ ،  $\chi^2 = ۱۲۱.۵$ )، بیانگر تعمیم این تفاوت به جامعه آماری است.

جدول شماره ۶- مقایسه مشارکت رسمی و غیررسمی در میان زنان (درصد معتبر)

ابعاد مشارکت	رسمی	غیررسمی
خیلی کم	۸.۱۴	۱.۲۱
کم	۱.۱۴	۶.۳۷
متوسط	۰	۶.۳۲
زیاد	۱.۶	۱.۸
خیلی زیاد	۶۵	۷.۰
جمع	۱۰۰	۱۰۰
میانگین رتبه‌ای	۵۷.۱	۴۳.۱
مقدار کی دو = ۱۲۱.۵ درجه آزادی = ۱ Sig = ۰.۰۲۴		

### چگونگی وضعیت شبکه روابط اجتماعی در بین زنان

منظور از شبکه روابط، فراوانی رابطه (تعداد)، شیوه رابطه (حضور و تلفنی) و شدت رابطه (عمق) زنان با دیگران (دوست، همسایه و خانواده) است. جدول «۷»، مربوط به فراوانی روابط

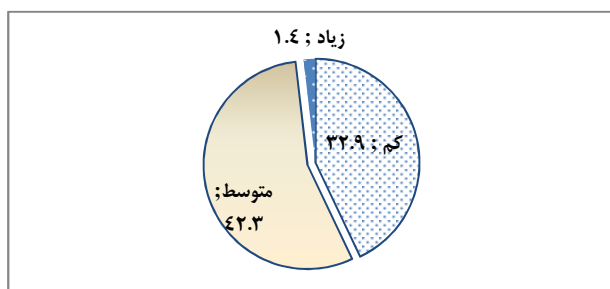


زنان با دوستان و همسایه و خانواده است. ملاحظه می‌شود کمترین میزان این متغیر صفر و بیشترین مقدار آن ۰.۲۷۳ است. متوسط فراوانی روابط زنان ۰.۱۲۷ (متوسط رو به پایین) است. انحراف معیار نیز بیانگر آن است که متوسط پراکندگی فراوانی روابط زنان از میانگین ۰/۴۹ است.

جدول شماره ۷ - توصیف شاخص‌های آماری "فراوانی روابط زنان"

تعداد	ماکزیمم	مینیمم	کشیدگی		چولگی		انحراف معیار	میانگین	سرمایه اجتماعی
			خطای استاندارد	آمار	خطای استاندارد	آمار			
۲۹۸	۰.۲۷۳	۰	۰.۲۸۱	-۰.۱۸	۰.۱۴۱	۰.۱۸	۰.۴۹	۰.۲۷۱	

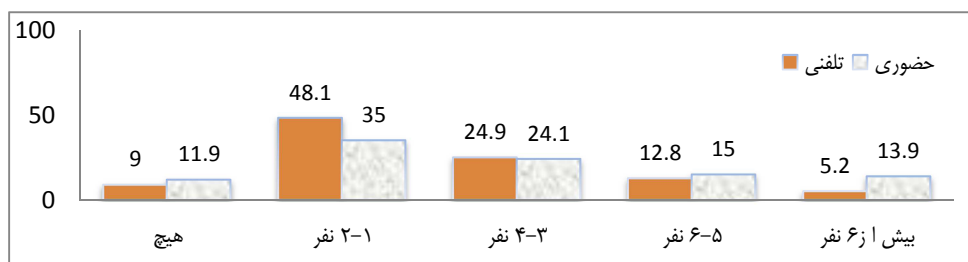
مطابق نمودار «۲» نزدیک به نیمی از زنان در نمونه مورد بررسی (۳۰.۴۲ درصد) دارای حد متوسطی از رابطه با دوستان و همسایه و خانواده هستند. تنها ۰.۱۴ درصد دارای روابط زیاد هستند.



نمودار شماره ۲: نمودار دایره‌ای "شاخص کیفی تعداد روابط زنان" (درصد معتبر)

از حیث شیوه رابطه نیز، نمودار «۳» نشان می‌دهد به‌استثنای تعداد معدودی از زنان که هیچ‌گونه رابطه تلفنی و حضوری با دیگران ندارند، اکثریت در طول روز با تعداد کمی (یک تا دو نفر) به شیوه حضوری و تلفنی رابطه دارند که در این بین ارتباط به‌صورت تلفنی بیش از حضوری (۴۸ درصد در مقابل ۳۵ درصد) است.

نمودار شماره ۳: نمودار میله‌ای "شیوه رابطه با دیگران در میان زنان" (درصد)



## تبیین شبکه ارتباطات اجتماعی زنان

برای بررسی میزان سهم و تأثیر متغیرهای عمده تحقیق بر شبکه روابط اجتماعی زنان از روش تحلیل رگرسیون خطی<sup>۱</sup> و روش پس‌رونده<sup>۲</sup> استفاده شد. در این تحلیل متغیر وابسته، شبکه روابط اجتماعی زنان (شدت و فراوانی رابطه) است. متغیرهای مستقل عبارتند از سن، مدت سکونت در محل، بعد خانوار،

اعتماد بین فردی، اعتماد تعمیم‌یافته، سرمایه اقتصادی، مشارکت غیررسمی، مدرک فرهنگی (مدرک تحصیلی)، دفعات مراجعه به اماکن فرهنگی، مهارت فرهنگی (دارا یا فاقد مهارت غیر از خانه‌داری).

نتایج در جدول «۱۱» نشان می‌دهد عملیات رگرسیون تا نه مرحله انجام شده است. از مجموعه ده متغیر مستقل، تنها دو متغیر مشارکت غیررسمی و اعتماد بین فردی در معادله باقی مانده است. این دو متغیر به میزان  $R = .62$  با متغیر وابسته همبستگی دارند. ضریب تعیین حاصله نیز بیانگر آن است که حدود ۳۹ درصد از تغییرات موجود در شبکه روابط اجتماعی زنان، تابع این دو متغیر است.

جدول شماره ۱۱ - معرفی ضرایب همبستگی و تعیین در گام آخر<sup>۳</sup>

Model	R	R Square	Adjusted R Square	Std. Error of the Estimate	Durbin-Watson
(مراحل)	(ضریب همبستگی)	(ضریب تعیین)	(ضریب تعیین تصحیح‌شده)	(خطای برآورد)	(آماره دوربین واتسون)
۹	.۶۲۲	.۳۸۷	.۳۸۰	.۵۷۷۸۷	۴۳۳.۱

جدول «۱۲» به بررسی معناداری مدل رگرسیونی می‌پردازد که در اینجا صرفاً گام آخر گزارش شده است. نسبت میانگین مجذورات رگرسیون بر باقی مانده بالاست ( $\text{sig} = .000$ ،  $F = 357.54$ ). سطح معناداری به دست آمده نیز به طرز معناداری قابلیت پیش‌بینی متغیر وابسته (شبکه روابط اجتماعی زنان) را دارد.

<sup>۱</sup> Linear<sup>۲</sup> Backward<sup>۳</sup> i. Predictors: (Constant), j. Dependent Variable: شاخص کل مشارکت غیررسمی، شاخص کل اعتماد بین فردی

شاخص شبکه روابط اجتماعی زنان





جدول شماره ۱۲- نتایج آزمون معناداری رگرسیون در گام آخر

Model	Sum of Squares (مجموع مجذورات)	Df (درجه آزادی)	Mean Square (میانگین مجذورات)	F	.Sig
9 Regression	۳۰۳.۳۶	۲	۱۵۱.۱۸	۳۵۷.۵۴	.۰۰۰
Residual	۴۳۶.۵۷	۱۷۲	.۳۳۴		
Total	۷۳۹.۹۳	۱۷۴			

نتایج در جدول «۱۳» هم‌جهت و شدت تأثیر و یا سهم متغیرهای مستقل را بر وابسته نشان می‌دهد. دو متغیر مشارکت غیررسمی و اعتماد بین فردی تنها متغیرهای باقی‌مانده در مرحله آخر عملیات رگرسیون هستند. ضریب رگرسیون استاندارد بتا به این امر اشاره دارد که به ترتیب متغیرهای اعتماد بین فردی (بتا=۰/۴۳) و مشارکت غیررسمی (بتا=۰/۲۶) به مرحله نهایی رسیده است و می‌تواند شبکه روابط اجتماعی زنان را پیش‌بینی کند.

جدول شماره ۱۳- متغیرهای وارد شده در معادله رگرسیون و ضرایب تأثیر آن‌ها

Model	Unstandardized Coefficients (ضرایب تأثیر استاندارد نشده)		Standardized Coefficients (ضریب تأثیر استاندارد)	t	.Sig
	B	Std. Error	Beta		
(Constant)	-.۹۱۰	.۱۲۲		-۴۷۳.۷	.۰۰۰
9 شاخص کل اعتماد بین فردی	.۰۷۸	.۰۱۲	.۴۳۹	۲۲۷.۶	.۰۰۰
شاخص کل مشارکت غیررسمی	.۰۵۸	.۰۱۵	.۲۶۵	۷۶۲.۳	.۰۰۰

a. Dependent Variable: شبکه روابط اجتماعی زنان

### بحث و نتیجه‌گیری

توسعه سرمایه اجتماعی شیوه‌ای برای ظرفیت‌سازی اجتماعات شهری و به‌ویژه اجتماعاتی است که از محرومیت رنج می‌برند. این تحقیق به شناسایی کم و کیف سرمایه اجتماعی زنان در دو بعد شناختی (ذهنی) و ساختاری (عینی) در یکی از سکونت‌گاه‌های غیررسمی مشهد پرداخت. بعد شناختی معطوف به کیفیت روابط افراد یعنی اعتماد و بعد ساختاری هم‌متمرکز بر شبکه روابط اجتماعی و مشارکت‌های اجتماعی بود. یافته‌های حاصل از پژوهش نگران‌کننده است چراکه حکایت از وضعیت نامساعد سرمایه اجتماعی زنان در بعد شناختی یعنی اعتماد بین فردی، تعمیم‌یافته و نهادی دارد. بعد ساختاری هم‌که دربرگیرنده مشارکت رسمی و غیررسمی و شبکه روابط اجتماعی است، چندان مطلوب نیست.

تحلیل اطلاعات به‌روشنی نشان داد، زنانِ خانه‌دار جوانان در ارتباط با خانواده، اقوام، دوستان و همسایه، اعتماد بین فردی قوی‌تری دارند. اما نکته قابل‌تأمل آن است که بیشترین این اعتماد را زنان به ترتیب نسبت به خانواده خود (فرزندان و همسر)، اقوام نزدیک خود (پدر و مادر و خواهر و برادر)، اقوام نزدیک همسر (پدر و مادر و خواهر و برادر)، همسایه‌ها و دوستان دارند. این موضوع نشان می‌دهد که اعتماد بین فردی زنان عمدتاً درون‌گروهی است چراکه در درجه اول خانواده خود و اقوام نزدیک خود و همسر را پوشش می‌دهد و وضعیت اعتماد بین فردی در محله که عمدتاً در ارتباط با همسایه‌ها و دوستان معنی پیدا می‌کند، بسیار ضعیف است. نتیجه احتمالی آن است که چون اعتماد بین فردی از نوع درون‌گروهی، بالا است و باعث طرد دیگران و مانع گسترش سرمایه اجتماعی خواهد شد. این موضوع با نظر فرناندز و هریس که در قالب رویکرد فقر شهری نیز نزدیک است که ساکنان این اجتماعات در مقایسه با سایر محلات دارای شبکه‌های محدودتری هستند و نظر استون و هیوز را هم تایید می‌کند که معتقد بود ساکنان این اجتماعات دارای شبکه‌های کوچکی از دوستان و فامیل هستند. به‌زعم تونکیس هرچه ارتباطات جامعه به‌خصوص ارتباطات بین گروهی بیشتر و منسجم‌تر باشد و در نتیجه آن اعتماد میان گروهی شکل بگیرد، جامعه به سمت عدالت خواهد رفت. اما نتیجه نشان داد زنان اعتماد و ارتباطات بین گروهی زیادی نسبت به دوستان و همسایه‌ها ندارند و این نوع اعتماد بین فردی که صرفاً با خانواده خود و اقوام نزدیک وجود دارد، قطعاً برای ایجاد پیوندهای اجتماعی میان ساکنان در محله کافی نیست.

زنانِ خانه‌دار مورد مطالعه دچار ضعف شبکه روابط اجتماعی هستند. اهمیت این موضوع از آن حیث است که سرمایه اجتماعی زاده روابط میان افراد است و در این شبکه‌ها است که منابع و فرصت در اختیار افراد قرار می‌گیرد. اما نتایج نشان می‌دهد که زنان تا حد زیادی از این فرصت محروم هستند. در همین ارتباط از میان متغیرهای مختلف، سن، مدت سکونت در محل، بعد خانوار، اعتماد بین فردی، اعتماد تعمیم‌یافته، سرمایه اقتصادی، مشارکت غیررسمی، مدرک فرهنگی (مدرک تحصیلی)، دفعات مراجعه به اماکن فرهنگی، مهارت فرهنگی (دارا یا فاقد مهارت غیر از خانه‌داری)، به ترتیب دو متغیر اعتماد بین فردی و مشارکت غیررسمی، مؤثرترین تبیین‌کننده‌های شبکه ارتباطات اجتماعی زنان هستند.



علیرغم اینکه سرمایه اجتماعی به منزله دارایی محسوب می‌شود و راه‌حل مناسبی برای ساماندهی این محلات است، نکته حائز اهمیت آن است که موقعیت فرودست زنان در این سکونت‌گاه غیررسمی، وضعیتی را پدید می‌آورد که نتیجه آن افت سرمایه اجتماعی است. می‌توان ادعا کرد که بنیادی‌ترین جزء سرمایه یعنی روابط اجتماعی زنان با یکدیگر تنها در صورتی شکل می‌گیرد که در وهله اول پایه‌های اعتماد بین فردی (اعتماد به افراد آشنا اعم از خانواده، اقوام، دوستان و همسایه) و پس از آن زمینه‌های شکل‌گیری مشارکت غیررسمی تقویت شود چراکه اعتماد، به‌عنوان شرط کلیدی برای موجودیت هر جامعه، همکاری را تسهیل می‌کند و پیش‌شرط اصلی مشارکت در هر رابطه است. لذا راهبرد پیشنهادی، شبکه‌سازی و اعتمادسازی است. برای ایجاد و تقویت شبکه و اعتماد بین فردی، اقداماتی نظیر موارد زیر را می‌توان انجام داد:

از طریق روابط اجتماعی، نه تنها جامعه اعضای جدید خود را برای ورود به جامعه و بازتولید خود آماده می‌کند، بلکه تمام اطلاعات انتقال می‌یابند و عناصر فرهنگی (هنجارها، ارزش‌ها، باورها و...) مصرف و بازتولید می‌شوند. به این منظور شبکه‌سازی و گسترش شبکه‌های روابط اجتماعی، روشی برای گرد هم آمدن زنان خانه‌دار است. کیفیت شبکه دربرگیرنده هنجارها (اعتماد، احساس اثربخشی، معامله به‌مثل، پذیرش تنوع، همکاری) و اهداف مشترک است. هدف مشترک می‌تواند یک مشارکت اجتماعی، مدنی، اقتصادی و... باشد. ساختار شبکه هم شامل اندازه، فراوانی، تراکم و روابط قدرت است. این شبکه‌ها صرفاً پیونددهنده نیستند بلکه از جنس متصل‌کننده باید باشند تا بتوانند زنان خانه‌دار را علیرغم تنوع قومی و خرده‌فرهنگی، به هم مرتبط کنند. لازمه شکل‌گیری این شبکه، وجود مکانی با اهداف مشترک و مبتنی بر نیاز جامعه است. مشکل اصلی ساکنان در این مناطق، اقتصادی و از جنس تأمین معاش است، لذا شبکه‌هایی با اهداف اقتصادی و کسب منافع در بازه زمانی کوتاه و کسب منافع آنی برای زنان خانه‌دار، جذاب است. زمینه شکل‌گیری این شبکه‌ها، طراحی و سازماندهی پروژه‌های تولید و کسب‌وکار و کارآفرینی است که می‌تواند شامل مهارت و حرفه‌آموزی، بازارچه خوداشتغالی، تمرکز بر مشاغل خانگی و... باشد. اجرای این شبکه‌ها منوط به نقش تسهیلگر دولت و همکاری کارآفرینان و سرمایه‌گذاری آن‌ها خواهد بود. قوانین هم باید طوری تدوین شود که مسیرهای سوءاستفاده را مسدود کند. با شکل‌گیری شبکه‌ها، گروه به وجود می‌آید و کنش و

وابستگی متقابل بین اعضاء اتفاق می افتد. درنهایت در فرایند تداوم رابطه و مشارکت، اعتماد پدید می آید.

افزایش آگاهی، مهارت زندگی و حقوق شهروندی، همچنین مدیریت روابط بین فردی در قالب برگزاری کلاس و کارگاه و... ضروری است. بخش عمده‌ای از مشکلات در شکل‌گیری بی‌اعتمادی نسبت به دوستان و همسایگان، ناشی از روابط بین فردی از نوع بی‌قاعده است. زمانی که روابط دچار ضعف شده و یا بیش از اندازه شدید باشد، دچار اختلال می‌شود که آسیب‌زاست. بنابراین ارتقاء آگاهی و مهارت افراد (زنان خانه‌دار) در کنترل روابط اهمیت دارد.



## منابع فارسی

۱. ایراندوست، کیومرث و اعظمی، محمد و تولایی، روح‌الله (۱۳۹۳). شاخص‌های تعریف و تعیین سکونتگاه‌های غیررسمی در ایران. فصلنامه مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، ۶ (۲۱): ۶۰-۴۳.
۲. امیرفخریان، مصطفی و رهنما، محمدرحیم و آقاجانی، حسین (۱۳۹۱). اولویت بندی نیازبه خدمات بهداشتی درمانی محلات حاشیه نشین شهر مشهد براساس سیستم پشتیبانی فضایی چند معیاره. مجله علمی پژوهشی آمایش جغرافیایی فضا، ۲ (۲): ۱۷-۳۶.
۳. بوردیو، پیر (۱۳۸۰). نظریه کنش: دلایل عملی و انتخاب عقلانی. ترجمه: مرتضی مردیها، تهران: انتشارات نقش و نگار.
۴. پاتنام، روبرت (۱۳۹۲). دموکراسی و سنت‌های مدنی (سرمایه اجتماعی و سنت‌های مدنی در ایتالیای مدرن). ترجمه: محمدتقی دل‌فروز، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
۵. پرنیان، لیلا و همت، اصغری (۱۳۹۳). سنجش میزان سرمایه اجتماعی و ابعاد آن در بین زنان روستاهای شهر شیراز (مطالعه موردی ۷ روستای شهر شیراز (همایش ملی زن و توسعه پایدار روستایی. مشهد. دانشگاه فردوسی.
۶. تاجبخش، غلامرضا (۱۳۹۲). بررسی میزان سرمایه اجتماعی بین حاشیه‌نشینان شهرایلام. مطالعات جامعه‌شناختی شهری، ۹ (۹): ۹۷-۱۲۳۳.
۷. تاجبخش، کیان (۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه. ترجمه: افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: نشر شیرازه.
۸. تونکیس، فران و همس، لزلی (۱۳۸۸). اعتماد و سرمایه اجتماعی. ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۹. خاکپور، براتعلی (۱۳۹۴). سرمایه اجتماعی، توانمندسازی زنان حاشیه نشین و بازارکار شهری. مطالعه موردی: جامعه زنان محلات اسکان غیررسمی تبریز، مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری، ۲ (۱): ۸۰-۶۹.
۱۰. خاکپور، براتعلی و مافی، عزت‌الله و باوان پوری، علیرضا (۱۳۸۸)، نقش سرمایه اجتماعی در توسعه پایدار محله‌ای (نمونه: کوی سجادیه مشهد)، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، ۱۲ (۷): ۸۱-۵۵.
۱۱. رفعت‌جاه، مریم و سمیه قربانی (۱۳۹۰). تاثیر سرمایه اجتماعی بر ارتقا شغلی زنان، زن در توسعه و سیاست، ۹ (۱): ۱۱۷-۱۴۶.
۱۲. رستمی، فرحناز و محمدی، محمدعلی و علی‌آبادی، وحید، کریمیان، نشتیمان (۱۳۹۲)، وضعیت سرمایه اجتماعی در بین زنان روستایی سرپرست خانوار. فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، ۱۳ (۵۱): ۷-۲۴.
۱۳. رئیسی، طاهره و مقدس، علی اصغر (۱۳۹۰). بررسی رابطه سرمایه اجتماعی زنان و تقسیم کارخانگی، نمونه مورد مطالعه: زنان متاهل شهر جیرفت. دو فصلنامه علمی پژوهشی علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی، ۸ (۲): ۸۱-۱۰۴.

۱۴. زکی، محمدعلی (۱۳۹۳). بررسی تحقیقات سرمایه‌ی اجتماعی در ایران (روندها، الگوها و گرایش‌های پژوهشی)، کتاب ماه علوم اجتماعی، شماره ۷۳.
۱۵. زکی، محمدعلی (۱۳۹۴). بررسی سرمایه‌ی اجتماعی زنان و عوامل اجتماعی موثر بر آن (دانشجویان دختر دانشگاه پیام نور اصفهان). فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده، ۹ (۳۰): ۵۳-۷۸.
۱۶. رهنما، محمدرحیم و توانگر، معصومه (۱۳۸۷). بررسی تطبیقی حاشیه نشینی در شهرهای سبزوار، نیشابور، تربت حیدریه و گناباد، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، ۶ (۱۱): ۸۳-۱۱۵.
۱۷. سجادی، ژیلا و سوری، فاطمه (۱۳۹۱). تحلیل مشارکت‌پذیری زنان: ضرورتی در بهسازی سگونتگاه‌های غیررسمی (مطالعه‌ی موردی: محله‌ی آبک، منطقه‌ی یک شهر تهران)، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۴۴ (۴): ۱۸۱-۲۰۲.
۱۸. شویره، کریستیان و اولیویه فونتن (1385). واژگان پیر بردیو، ترجمه مرتضی کتبی، تهران، نشرنی.
۱۹. شارع پور، محمود (۱۳۸۷). روند جهانی درسنجش سرمایه‌ی اجتماعی: اثر پذیری از حوزه سیاست‌گذاری اجتماعی. فصلنامه فرآیند مدیریت و توسعه، ۲۱ (۶۹ و ۲): ۵-۲۹.
۲۰. صالحی، ابراهیم و مهرعلیزاده، یدالله (۱۳۸۴). تغییرات بازارکار، توسعه، آموزش عالی و سرمایه‌ی اجتماعی. مجموعه مقالات همایش آموزش عالی و توسعه پایدار. ۲۶
۲۱. فکوهی، ناصر (۱۳۸۱). تاریخ نظریه‌های انسان‌شناسی، تهران: انتشارات نشرنی.
۲۲. فیلد، جان (۱۳۸۶). سرمایه اجتماعی، ترجمه غلامرضا غفاری و حسین رضائی، تهران: انتشارات کویر.
۲۳. قجری، حسین علی و علیخانی فرادنبه، اعظم (۱۳۹۱). میزان سرمایه‌ی اجتماعی زنان شهر بروجن و عوامل اجتماعی تاثیر گذار بر آن. مجله علمی پژوهشی جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۳ (۱): ۱۹۳-۱۷۱
۲۴. محمدی، علیرضا و روستا، مجید (۱۳۸۷). توسعه اجتماع محور، سازوکاری در ساماندهی سکونت‌گاه‌های غیررسمی. نشریه شهرسازی و معماری هفت شهر، وزارت مسکن و شهرسازی، ۲ (۲۴ و ۲۳): ۸۸-۱۰۵.
۲۵. موسوی، مرضیه و حسن پور درودگر، زینب (۱۳۹۱). بررسی تحلیلی تطبیقی سرمایه‌ی اجتماعی زنان در سطح محلات شهر تهران، نشریه مسائل اجتماعی ایران، ۳ (۲): ۲۰۳-۲۲۸
۲۶. نقدی، اسداله و زارع، صادق (۱۳۹۱). فرسایش سرمایه‌ی اجتماعی و مدیریت بحران در مناطق حاشیه نشین. مورد مطالعه زنان حاشیه نشین شهرک سعدی شیراز. دومین کنفرانس ملی مدیریت بحران، تهران.
۲۷. نوری پور، مهدی و توکلی تبار، زهرا و میرزایی، شهاب (۱۳۹۳). سنجش سرمایه اجتماعی زنان عضو و غیرعضو تعاونی روستایی بخش مرکزی شهرستان چرام. فصلنامه زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، ۱۲ (۱): ۱۵۱-۱۳۵.
۲۸. هادیزاده بزاز، مریم (۱۳۸۲). حاشیه نشینی و راهکارهای ساماندهی آن در جهان، مشهد: شهرداری مشهد.



## منابع انگلیسی

1. Amirfakhriyan , M and Rahnama, M and Aqajni ,H. (2012) . Priority of Health Needs of Informal Settlements in Mashhad City Based on Multiple Criteria Spatial Decision of Supporting System. Geographical Planning of Space Quarterly Journal ,2 (6) :17-37 (Tex in Persian) .
2. Bourdieu,P. (1992) . An Invitation to reflexive sociology,University of Chicago press and polity press.
3. Bourdieu, P. (2001) . Raisons pratiques: sur la theorie de l'action. Translation:Morteza Mardiha. Tehran: nash o negar (Tex in Persian) .
4. Bullen, P. and Onyx, J (1999) , “Social Capital: Family Support Services and Neighbourhood and Community Center in New South Wales,Family Support Services Association and Sydney”, Avialable at: <http://www. mapl. com. au/A12. htm>.
5. Chauvire, Ch and olivier,f. (2006) . Le vocabulaire de Bourdieu. Translation: Morteza Kotobi . Tehran: Ney (Tex in Persian) .
6. Dale, A. and Newman L. (2010) Social Capital:A Necessary and Sufficient Condition for Sustainable Community Development?Community Development journal, 45 (1) : 5-21.
7. Fox,J. and Gershman ,J. (2000) . The World Bank and social capital: Lessons from ten rural development projects in the Philippines and Mexico , policy sciences, 33: 199-419.
8. Fakouhi, N. (2002. (The History Of Thinking and Theories In Anthropology. Tehran: Ney (Tex in Persian) .
9. Field, J (2007) . Social Capital. Translation:Gholamreza Ghaffari and Hossein Ramezani. Tehran: kavir (Tex in Persian) .
10. Ghajari, H and Alikhani Faradonbeh, A. (2012) . The Rate of Women Social Capital in Boroujen and the Impact of Social Factors on it. Journal of Applied Sociology,23 (1) :171-193 (Tex in Persian) .
11. Grant,Robert ,M. (1991) ,The resource-Based Theory of competitive Advantage: implication for strategy formation. california manamangement Review 33 (3) :114-135.
12. Habitat, un. (2003) . The challenges of slums: global report on human settlements,2003/ United.
13. Nations Human Settlements Programme. First published in the UK and USA in 2003 by Earth scan Publications Ltd
14. Hadizadeh Bazzaz, M. (2002) . Rehabilitation of informal settlements in the world . Mashhad: Mashhad Municipality (Tex in Persian) .
15. Irandoost, K and Azami, M and Tavallaei , R. (2014) . Defining indicators of informal settlements in Iran. Journal Urban - Regional Studies and Research,6 (21) :43-60 (Tex in Persian) .
16. Key,A (2006) . Social capital. The social economy and community development ,community Development journal. 41 (2) :160-173.
17. Khakpoor,B. (2015) . Social capital, empowerment of marginalized women and city labor work The case of study women society of Tabriz informal settlements. Journal of Geography and Urban Space Development ,2 (1) :69-80 (Tex in Persian) .
18. Khakpoor, B and Mafi,E and Bavan poori A. (2009) . The role of capital in the regional stable development case study: Sajjad area in Mashhad. Journal of Geography and Regional Development ,12 (7) :55-81 (Tex in Persian) .
19. Moore, G. (1990) . Structural determinants of men's and women's personal networks, American Sociological Review,55 (5) :735-726.

20. Mohammadi, A and Rosta, M . (2008) . Community Driven Development, a Mechanism For Informal Settlement Regularization. Journal of The Urban Development and Organization Haft Shahr,2 (23,24) :88-105 (Tex in Persian) .
21. Moosavi, M and Hassanpour Doroudgar, Z. ( 2012) . An Analytical-Comparative Study Of Social Capital in Advantaged and Disadvantaged Neighborhoods Of Tehran. Journal of Social Problems of Iran. 3 (2) :203-228 (Tex in Persian) .
22. Naghdi, A and Zare, S ( 2011) . The erosion of social capital and crisis management in the marginalized regions: the case of women of informal settlements in Saadi, Shiraz. The Second National Conference of Crisis Management, Tehran (Tex in Persian) .
23. Nooripor, M and Tavakolitabar , Z and Mirzaei, Sh. (2014) . Analysis of Social Capital in Rural Women members and Non-Members of the Cooperatives; The Case of Central District of Choram County. Women In Development And Politics ,12 (1) :135-151 (Tex in Persian) .
24. Putnam, R. D. (2001) . Bowling alone: The collapse and revival of American community. New York, Touchstone Books by Simon and Schuster; 1st edition.
25. Pugh, Cedic. (2005) . Squatter Settlements: Their Sustainability, architectural contributions, and Socio – economic roles. Cities . 17 (5) : 325– 337
26. Putnam, R. (2013) . Making democracy work : civic traditions in modern Italy. Translation: Mohammad Taghi Del Forouz . Tehran: Sociologists Publications (Tex in Persian) .
27. Parnian, L and Asghari, H . (2014) . Measuring the social capital and its dimensions among women in Shiraz villages (Case study: 7 villages of Shiraz city) . National Congress of Women and Sustainable Rural Development, Mashhad. Ferdowsi University (Tex in Persian) .
28. Rafatjah, M and Ghorbani, S. (2011) . A Study on The Influence of Social Capital on Women's Job Promotion. women in Development and Politics, 9 (1) :117-146 (Tex in Persian) .
29. Rostami, F and Mohammadi . M and Aliabadi. V and Karimian, N. (2014) . Social Capital Condition among Rural Bread Winner . Women. Social Welfare Quarterly, 13 (51) :7-24 (Tex in Persian) .
30. Raeisi, T and Moqadas, A. (2012) . An Investigation of the Relationship between Women's Social Capital and Household Work Division: The Case of Women of 20-50. Journal Of Social Sciences (Biannual) ,8 (2) : 81-104 (Tex in Persian) .
31. Rahnama, M and Tavangar, M. (2010) . A comparative study of marginalization in the cities of Sabzevar, Neishabour, Torbat Heidariye and Gonaabaad. Journal of Geography and Regional Development, 6 (11) :83-115 (Tex in Persian) .
32. Stone, W and Hughes, J (2002) , Social capital: Empirical meaning and measurement validity, Australian Institute of Family Studies, no:26, p:64
33. Sajadi, J and Suri ,F. (2012) . Analysing Women's Participation: Essential for Upgrading Informal Settlements (Case Study of Abak Neighborhood, Region No. 1 of Tehran) . Human Geoghraphy Research Quarterly, 44 (4) :181-202. (Tex in Persian) .
34. Sharepour, M. (2008) . Global Trend in the Evaluation of social capital: Impact of the Social . Management and Development Process, 21 (2-69) :5-29 (Tex in Persian) .
35. Salehi, E and Mehralizadeh, Y. (2005) . Labor market changes, development, higher education and social capital. Proceedings of the Conference on Higher Education and Sustainable Development. 26 (Tex in Persian) .
36. Tajbakhsh, Gh. (2013) . The study of social capital among the marginalized people of Ilam. Journal Management System: 3 (9) :97-123 (Tex in Persian) .





37. Tajbakhsh, K. (2005) . Social Capital, Trust, Democracy and Development . Translation: Afshin Khakbaz and Hasan Pooyan. Tehran: Shirazeh Publications (Text in Persian) .
38. Tonkiss, F and Hems, L. (2009) . Trust And Civil Society. Translation: Mohammad Taghi Del Forouz. Tehran: Research Institute for Cultural and Social Studies (Text in Persian) .
39. Zaki, M. (2014) . Investigating social capital research in Iran (trends, patterns and research trends) Monthly Book of Social Sciences number 73 (Text in Persian) .
41. Zaki, M. (2015) . Social Investigation of Women and Social Factors Affecting It :Case Study of Female Students of Payame Noor University of Isfahan. The women and Families Cultural-Educational Quarterly, 9 (30) :53-78 (Text in Persian) .



## Analysis of Social Capital of Housewives Living in Informal Settlements

(Case Study: Shahid Ghorbani Neighborhood, Mashhad)

simin foroughzadeh<sup>1</sup>  
Javad Barati<sup>3</sup>

farzaneh razzaghian<sup>2</sup>  
Sahar Soltani<sup>4</sup>

### Abstract

The purpose of this research is to study the social capital of housewives living in an informal residence (Shahid Ghorbani neighborhood located in the District 4 of Mashhad). The survey population consisted of housewives living in this neighborhood of which 300 were selected as the research sample using cluster sampling method. Cognitive and structural dimensions of social capital were measured. The cognitive dimension includes interpersonal trust or trust in familiar individuals, social or generalized trust that is trusting strangers, and finally civil trust or trusting public organizations and agencies. The structural dimension involves women's formal and informal participation and their social relationship network (frequency, mode, and intensity). The results suggest that the status of women's trust in the three types of interpersonal, generalized and institutional trust is not considerable. Comparison participation in public and private spheres suggests that more than two thirds of women significantly participate in the public realm, while the majority of respondents have experienced private participation to a small extent. Women suffer a weak social relationship network and, respectively, interpersonal trust and informal participation are the most important variables explaining the women's social relations.

---

<sup>1</sup> Member of Academic Staff, Iranian Academic Center for Education, Culture & Research (ACECR), Mashhad, Iran.

<sup>2</sup> Corresponding Author, Member of Academic Staff, Iranian Academic Center for Education, Culture & Research (ACECR), Mashhad, Iran.

<sup>3</sup> Member of Academic Staff, Iranian Academic Center for Education, Culture & Research (ACECR), Mashhad, Iran.

<sup>4</sup> Member of Academic Staff, Iranian Academic Center for Education, Culture & Research (ACECR), Mashhad, Iran.

Submit Date: 2017/4/3

Accept Date: 2018/7/2

DOI: 10.22051/jwfs.2019.14462.1390